

**دبیرکل جنبش جهاد اسلامی فلسطین در گفت‌وگوی اختصاصی با «ایران»:**

# هیچ طرح صلح و سازشی با اسرائیل وجود ندارد

**منازعات داخلی رژیم صهیونیستی میان جریان راست افراطی و جریان لیبرال غربی و اختلاف در مبانی دینی، نژادپرستی و شکاف میان یهودیان امریکایی، یهودیان عرب و یهودیان آفریقایی آینده رژیم صهیونیستی را تهدید می‌کند**

<span><span>●</span></span> گفت و گو
مختار حداد/سجاداسلامیان
روزنامه نگار
حمید مهدوی راد
مترجم

بعد از جنگ‌های اشغالگران صهیونیست علیه نوار غزه در سال‌های اخیر و پیروزی‌های مقاومت، از اتاق عملیات مشترک بسیار می‌شنویم. اهمیت فعالیت آن چیست و چه کار می‌کند؟

اولاً زمانی که از اتاق عملیات مشترک صحبت می‌کنیم باید در نظر داشت که صحبت ازاین اتاق مشترک در رسانه‌ها بعضاً اغراق‌آمیز و در برخی موارد نیز سخنی از این اتاق مشترک بیان نمی‌شود. اما در واقع بیانگر هماهنگی نیروهای مقاومت با یکدیگر در میدان نبرد است، هماهنگی در مختصات پرتاب موشک، هماهنگی در پشتیبانی متقابل، اما اتاق عملیات مشترک درازهان مردم به معنای مرکز فرماندهی و کنترل و… است، اما در حقیقت دقیقاً این‌گونه نیست، اما اگر بخواهیم این اتاق عملیات مشترک را به خوبی توصیف و ترسیم کنیم باید گفت منظور از آن هماهنگی میدانی بین نیروهای مقاومت به‌طور مستقیم و پیگیری درگیری‌های میدانی است و این همان توصیف و توضیح دقیق این مطلب است اما بعضاً صحبت‌های اغراق‌آمیزی برای این موضوع مطرح می‌شود.

این هماهنگی در تمامی عرصه‌های میدانی موجود است؟ عمدتاً مناطقی که بخش‌های نظامی در آنها وجود دارد، مناطقی هستند که در آن هماهنگی صورت می‌گیرد و در مناطقی که بخش‌های نظامی وجود ندارد، کمتر نیاز به هماهنگی می‌شود. خصوصاً در غزه، موضوع هماهنگی همیشه مطرح است و نگرش مثبت نیروهای فلسطینی در تعامل با یکدیگر مشهود است. کما اینکه نامی هست که گروه‌ها را تحت عنوان اتاق عملیات مشترک گرد هم می‌آورد، اما این بدان معنا نیست که اتاق عملیات مشترک دارای مکانی دائمی است و مدیریت امور نظامی و پیگیری مستمرا را برعهده دارد ولی این امر هماهنگی پیوسته و دائم مبتنی برحسب ضرورت و مقتضیات است.

مناطقی هست که مقاومت فلسطینی وجود دارد، اما آنها نمی‌توانند مانند غزه هماهنگی انجام دهند، در کرانه باختری، گروه‌ها و بخش‌های نظامی به نوعی وجود دارند، برای مثال مانند اردوگاه جنین که گردان جنین وابسته به گردان‌های قدس است اما تعداد گروه‌های نظامی بسیار کمتر از هسته اصلی مقاومت است، اما این بدان معنا نیست که یگان‌های دیگری وجود ندارد و این یگان‌ها وجود داشته و حتی ممکن است که به لحاظ تسلیحاتی و انتقال نیرو از گردان جنین استفاده کنند.

طی جنگ‌های دهه شصت و هفتاد میلادی شاهد پیروزی در جنگ علیه رژیم صهیونیستی نبودیم، اما اکنون با وجود اینکه رژیم صهیونیستی همان است و خود را از نظر نظامی توسعه داده است اما امروز شاهدیم که جنگ‌ها چند ساعته و چند روزه شده است و رژیم صهیونیستی برای آتش‌بس التماس می‌کند، دراین عرصه چه گذشت و از نظر توسعه چه شد تا به دوران پیروزی رسیدیم؟

درواقع، اگر نگاه تاریخی هم داشته باشیم، مردم فلسطین با مشکلات زیادی روبه‌رو بوده‌اند و همچنین در طول تاریخ، تابع حکومت‌های متعدد و گوناگونی بودند مثلاً پس از مهاجرت از فلسطین، کرانه باختری تحت حاکمیت پادشاهی وقت اردن قرار گرفت. نوار غزه تابع حکومت مصر بود و پس از سال ۱۹۶۷ کرانه باختری و نوار غزه توسط اشغالگران صهیونیست اشغال شد و نیروهای اشغالگر سال‌ها درآن مستقر شدند و بتدریج شاهد شکل‌گیری مقاومت به این شکل یا به اشکال دیگری بودیم. فکر مقاومت باعث شد که تشکیلات متعددی علی‌رغم وجود سازمان آزادیبخش فلسطین به وجود بیاید. دراین بین برخی از فلسطینی‌ها به سمت پروژه توافق اسلو و امضای آن توسط سازمان آزادی بخش فلسطین رفتند و برخی از فلسطینی‌ها راه را برای تفاهم با اسرائیل باز کردند. اما بتدریج و با گذشت زمان فلسطینی‌ها متوجه شدند که گفت‌وگوی صرف، بی‌فایده است واسرائیل حتی التزام عملی نیز به این توافق ندارد. دراین بین گروه‌های مقاومت فلسطینی مانند جهاد و حماس به وجود آمدند و تقویت شدند و کار را با تمرکز برموضوع مقاومت شروع کردند. امروز می‌توانیم بگوییم که گروه‌های مقاومت بویژه جنبش جهاد، جنبش حماس و تا حدودی جبهه خلق برای آزادی فلسطین و برخی گروه‌های دیگر براین عقیده هستند. همچنین منکر این موضوع نیستیم که در زمینه کسب تجارب و اقدامات نظامی و میدانی فلسطینی‌ها تلاش زیادی کردند و از آغوش باز جمهوری اسلامی ایران

بویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی که بالغ بر چهل واندی سال از آن می‌گذرد مستفید شدند.

روابط فلسطین با جمهوری اسلامی به حدی گسترش یافت تا اینکه حتی از تجارب انقلاب اسلامی در زمینه ساخت و تولید تسلیحات بسیار بهره‌مند شدند. فلذا امروز شاهد آن هستیم که مقاومت نقش‌های متفاوتی نسبت به قبل ایفا می‌کند و فلسطینی‌ها نسبت به قبل تجربه بیشتری دارند و امروز فلسطینی‌ها سلاح‌های زیادی می‌سازند که اکثر اینها ساخت داخل است البته بجز مسلسل و رژیم اشغالگر با آن مواجه می‌شود. در حالی که موشک‌ها و تله‌های انفجاری وسلاح‌های ضد تانک و فرفریر در داخل تولید می‌شود و این برادران‌مان در جمهوری اسلامی ایران به دست آورده‌اند و این برآنها تأثیر بسزایی داشته بطوری که امروزه شاهد این هستیم که مقاومت ازاین موشک‌ها برای ضربه به شهرهای اشغالی بخصوص تل آویوو و تمامی شهرهای مرکزی رژیم استفاده می‌کند. بعلاوه استفاده از تله‌های انفجاری و خمپاره و… که کسب تجربه ملت فلسطین و مقاومت برای همه این موارد از جمهوری اسلامی ایران حاصل شده است.

اگر مقاومت فلسطین مرحله به مرحله پیشرفت می‌کند و تجارب زیادی را در این خصوص به دست می‌آورد همه اینها را، مروهون روابط مقاومت با جمهوری اسلامی ایران است و همکاری‌هایی که در سطح فنی و تجربی و میدانی در حال انجام است و آن را در اختیار ملت فلسطین قرار داده است.

ما شاهد تحولاتی مهم در جنین و کرانه باختری هستیم، آیا سیاست تسلیح کرانه باختری محقق شده است؟

در واقع در کرانه باختری پیچیدگی‌هایی وجود دارد. به عبارت دقیق‌تر، زمانی که مقام معظم رهبری خواهان تسلیح کرانه باختری شدند، موضوع این بود که ایشان در حقیقت دست خود را روی منطقه بسیار حساسی برای درگیری با دشمن قرار دادند. با وجود آگاهی ما از اهمیت کرانه باختری اما براساس این توصیه ایشان، این موضوع تأثیر زیادی بربرادران ما برای توجه به این پرونده داشت. علاوه بر خود نیروهای مقاومت، همه برای ایجاد تغییر و تغییر کیفی در وضعیت فلسطین همکاری کردند و برنامه‌هایی برای آن تدوین شد. چه از طریق انتقال اسلحه و چه خرید سلاح از خود جامعه اسرائیل. آنچه مهم است این که تمرکز زیادی وجود دارد تا کرانه باختری از حالت سکون و آرامش به حالت مقاومتی که امروز شاهد آن هستیم، برود. البته این امر کاملاً منطقی بررهنمودهای مقام معظم رهبری در خصوص امکان تسلیح کرانه باختری بود. درهر صورت در سفر ما به ایران و در دیدار با مقام معظم رهبری، معظم‌له بار دیگر بر توسعه تسلیح کرانه باختری و توسعه اقدامات مقاومتی در کرانه باختری تأکید کردند وهمچنین معتقدم که ما به عنوان فلسطینی و نیروها و

جنبش‌های مقاومت به اهمیت کرانه باختری پی برده ایم، اما این امر مستلزم تلاش و کوشش از سمت خود فلسطینی‌ها و همچنین کمک برادران ما در جمهوری اسلامی ایران است.

آیا کشورها یا سازمان‌هایی هستند که بخواهند روند تسلیح کرانه باختری متوقف شود؟

پروژه سازش در منطقه وهمه کشورهایی که به دنبال پروژه سازش هستند، در مقابل مسأله کرانه باختری و به‌طور کلی در مقابل موضع مقاومت، چه درغزه و چه در کرانه باختری، ایستادگی می‌کند. منظورم این است که وقتی از پروژه صلح با اسرائیل و پروژه سازش با دشمن صحبت می‌کنیم، این بدان معناست که همه کسانی که به دنبال پروژه‌های سازش و آشتی با دشمن هستند، خود به خود مخالف برنامه مقاومت هستند و همه کسانی که اسرائیل را به رسمیت نمی‌شناسند، از مقاومت حمایت می‌کنند. دو جریان در منطقه وجود دارد؛ یک جریان بزرگ عربی وجود دارد که هم درگفتار و هم در عمل به نفع صلح و سازش با اسرائیل عمل می‌کند، اما اراده مردم فلسطین درامتناع از پذیرش پروژه سازش نقش اساسی دارد. اگر این پروژه سازش به نتیجه برسد به این معنی است که مردم فلسطین حقوق خود را از دست داده‌اند و این موضوع حتی اگر گاهی در برخی از کشورهای عربی دراین زمینه اتفاقی افتاده باشد، قطعاً موفق نخواهد شد، زیرا امر واقع همان وضعیت مردم فلسطین است که این اعتقاد را دارند که اینجا سرزمین فلسطین است و آنها برای باز پس‌گیری آن مبارزه و مقاومت خواهند کرد.

گاهی در اثر شرایط و فشارهای منطقه‌ای بر مردم فلسطین و در اثر شرایط پیرامونی و در نتیجه فشار کشورهای عربی که برنامه مشخصی دارند: قدرت مردم فلسطین تصفیف شده یا از دست می‌رود. اما وقتی از این فشارها در سطح روانی و عملی خلاص شوند و در سطوح سیاسی، روحی و تسلیحاتی از آنها حمایت شود به مقاومت روی می‌آورد. زیرا هیچ فلسطینی واقعی وجود ندارد که وجود اسرائیل را به رسمیت بشناسد و هر فلسطینی که کمی کرامت و حس میهن پرستی داشته باشد اسرائیل را به رسمیت نمی‌شناسد و هرکس اسرائیل را به رسمیت بشناسد استثنایی است و ممکن است در اثر فشار وشرایط کشورهای عربی به رسمیت شناخته باشد. اما تا زمانی که ما دراین سرزمین حضور داریم و تا زمانی که بیت المقدس و زمین‌ها و خانه‌های ما در اشغال است، مقاومت وجود خواهد داشت. اما مهم‌تر از همه این است که مقاومت را تقویت کنیم. ما کاملاً براین باور هستیم که روزی موجودیت اسرائیل به پایان خواهد رسید. اگر ضعیف باشیم ممکن است بعد از ۱۰۰ سال از بین رود اما اگر قوی و توانمند باشیم و مقاومت و استقامت و اراده فداکاری داشته باشیم تا ۲۰ سال دیگر از بین می‌رود. همه چیز به ما مرتبط است اما ما باور داریم که اسرائیل ناگزیر از بین خواهد رفت، اما

اکنون شاهد تحولاتی در کرانه باختری هستیم، پیش از دو سال پیش نیز شاهد تظاهرات فلسطینی‌های ساکن در داخل مناطق اشغالی بودیم. آیا آن روزی را خواهیم دید که گردان‌های مقاومت در آنجا تشکیل شود و آیا شاهد غافلگیری جدیدی در مواجهه با دشمن صهیونیستی از جانب مقاومت خواهیم بود؟

ما در جنبش جهاد اسلامی برای تشکیل گردان‌های رزمی در تمام شهرهای فلسطین در کرانه باختری تلاش می‌کنیم. کمیّت و کیفیت این گردان‌ها با توجه به توانایی ما در تسلیح این گردان‌ها مکان به مکان برحسب توانایی ما در تسلیح و تهیه امکانات برای این گردان‌ها متفاوت است. بدون شک گردان جنین، متمایز از بقیه است و آن هم به خاطر اینکه اولین بود و شجاعت و رشادت زیادی داشتند و بسیاری از آنها به شهادت رسیدند. تعداد زیادی از آنها سابقه زندانی شدن در زندان‌های رژیم صهیونیستی را داشتند و برای همین متمایز از سایرین است. اما به هر حال



در تمام شهرهای فلسطین، گردان‌ها و گروه‌های نظامی تشکیل شده است و بویژه اینکه جنبش جهاد اسلامی مسئولیت این موضوع را برعهده گرفته است، اما این نافی حضور مبارزان حماس و حتی از سایر گروه‌ها نیست. ما از همکاری با مراکز جنبش فتح استقبال کردیم. در مراکز جنبش فتح افساری هستند که مخالف روند سازش و دولت خودگردان هستند و اینهاهمچنین دراین مناطق نفوذ دارند. تسلیح این گروه‌ها و حضور آنها درآنجا به وضعیت مقاومت کمک کرد و ما تصمیم گرفتیم این اقبال را نیز با آغوش باز پذیرفته و به تسلیح این گروه‌ها برای تثبیت وضعیت مقاومت کمک کنیم.

چون به نوعی مخالف دولت خودگردان شده‌اند، زیرا درهمان دولت خودگردان گروه‌هایی هستند که با آن مخالف هستند. درهمین زمان، وضعیتی ازوحدت ملی در این جامعه ایجاد شده است. بطوری که تناقضی پیش نیاید زیرا این افراد پیشتر حامی دولت خودگردان بوده و امروز به مقاومت روی آورده‌اند. ما آغوش خود را به روی آنها گشودیم و به آنها تسلیحات تحف رساندیم و آنها را در چهارچوب جنبش فتح حفظ کردیم. مثل گردان‌های شهدای الاقصی که در روزهای گذشته دو نفر از جهاد اسلامی به شهادت رسیدند که یکی از افسراد گردان‌های الاقصی نیز همراه آنها بود. این موضوع باعث می‌شود جایگاه بهتری نزد مردم به دست آورند و حالت تعامل بیشتری بین جوانان ایجاد شود.

این روند کشایش در جامعه فلسطین مهم است، دعوت مستمر به وحدت ملی و ارائه کمک درهر کجا که ممکن است. من معتقدم که این امر به ما به عنوان نیروهای مقاومت و بویژه به عنوان جنبش جهاد اسلامی کمک کرد تا گامی رو به جلو برداریم و جلوتر از دیگران باشیم. همچنین ما برای ساخت مواد منفجره تجربه میدانی مان را در اختیارشان قرار می‌گذاریم و نیز به رزمندگان عملیاتی در میدان نبرد کمک‌های فراوان و مستمر می‌کنیم. در جنبش جهاد نیز اسراری با سابقه و باتجربه‌ای داریم که در سال‌های قبل آزاد شده‌اند و ما از آنها بهره‌مند شدیم. اولین روزه وضعیت مقاومت در سطح مادی و تسلیحات و در سطح کادر رهبری و انسانی و همچنین در سطح تقدیم تعداد زیادی شهید تلاش زیادی کردیم. است.

جنبش جهاد اسلامی طی دو سال گذشته ده‌ها نفررا که به شهادت رسیدند تقدیم کرده که نقش و نفوذ زیادی در جامعه داشتند و از این رو و در همه موضوعات حضور جهاد اسلامی، این جنبش را به یک عنوان اصلی در جنبش و کرانه باختری تبدیل کرده است.

بعد از جنگ‌های اخیر در نوار غزه اوضاع معیشت و اقتصادی نوارغزه چگونه است؟

ما اکنون در مورد نوار غزه‌ای صحبت می‌کنیم که ارتش اشغالگر به‌طور مستقیم درآن وجود ندارد، اما اثر محاصره نوار غزه وجود دارد. من نمی‌گویم که زندگی در نوار غزه امکانپذیر نیست، اما زندگی بسیار سخت است؛اولا محاصره است. این محاصره به چه معناست؟ یعنی آوردن هر چیزی خارج از اقتصاد اسرائیل ممنوع است، اما فلسطینی‌های نوار غزه تمام زندگی شان مبتنی بر اقتصاد اسرائیل است و به این معناست که فلسطینی نمی‌توانند چیزی از آنچه را نیاز دارد از جای دیگری بخرند، مگر از جامعه اسرائیل. همچنین اسرائیل برای نیازهای فلسطینی‌ها تعیین تکلیف می‌کند؛ یعنی مثلاً صدها یا هزاران نوع موادی که به اعتقاد او در روند مقاومت استفاده می‌شود فروش آنها به اهالی نوار غزه ممنوع است و شما مجبور به انجام خیلی چیزهای ممنوعه هستید، اما سطح زندگی مانند هر جامعه‌ای دردنیاست که دارای سطوح مختلفی است؛ زیرا وقتی فرصت‌های شغلی محدود است، وقتی حمایتی وجود ندارد، فقر بالاست و… اما به هر حال من معتقدم که زندگی در نوار غزه وهمچنین افساری که می‌توانند در آنچه زندگی کنند امکانپذیر است و وجود مقاومت درحد توان، افق زندگی را برای مردم باز می‌کند. ما به عنوان مردم فلسطین در طول تاریخ شرایط بسیارسختی را پشت سر گذاشته ایم. در روزگاری فلسطینی‌ها در چادر در شرایط بسیار اسفباری زندگی می‌کردند و اکنون شرایط فلسطینی‌ها در همه موارد بهتر است. نمی‌توان گفت که زندگی فلسطینی‌ها اسفبار است و ما نمی‌توانیم غذا پیدا کنیم، الحمدلله. زندگی ما بهتر ازگذشته و حداقل از وضعیت پناجویان سوری بهتر است.



پروژه

سازش در

منطقه وهمه

کشورهایی

که به دنبال

پروژه سازش

هستند،

در مقابل

مسأله کرانه

باختری و به

طور کلی در

مقابل موضع

مقاومت، چه

درغزه و چه در

کرانه باختری،

ایستادگی

می‌کند.

منظورم این

است که وقتی

از پروژه صلح

با اسرائیل و

پروژه سازش

با دشمن

صحبت

می‌کنیم،

این بدان

معناست که

همه کسانی

که به دنبال

پروژه‌های

سازش و

آشتی با

دشمن

خود به خود

مخالف برنامه

مقاومت

هستند و

همه کسانی

که اسرائیل

را به رسمیت

نمی‌شناسند،

از مقاومت

حمایت

می‌کنند